

رابطه مشکلات دلبستگی دختران با سبک دلبستگی مادران

تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۱۰

مرضیه جهان بخش*، شعله امیری**، حسین مولوی***، محمد حسین بهادری****

چکیده

مقدمه: مادر به عنوان چهره دلبستگی اصلی تأثیر غیر قابل انکاری در تحول عاطفی کودک دارد. پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان رابطه و پیش بینی مشکلات دلبستگی دختران از طریق سبک دلبستگی مادران انجام شده است.

روش: نمونه مورد بررسی در این تحقیق ۳۸۸ نفر از دانش آموزان دختر مقطع دوم و چهارم دبستان بودند که بر اساس نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این مطالعه به منظور سنجش مشکلات دلبستگی دختران، پرسشنامه اختلال دلبستگی کودکان راندولف (RADQ) بود. سبک دلبستگی مادران نیز از طریق پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان (AAS) ارزیابی شد. داده‌های به دست آمده از طریق روش همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان دهنده رابطه معنادار بین سبک دلبستگی اجتنابی، دوسوگرا و ایمن در مادران با ضریب همبستگی ۰/۳۲، ۰/۲۸ و ۰/۱۶- و مشکلات دلبستگی دختران بود. نتیجه نهایی تحقیق نشان داد که سبک دلبستگی اجتنابی مادران بیشترین قدرت پیش بینی کنندگی را برای ایجاد مشکلات دلبستگی در دختران دارد. بر این اساس دلبستگی اجتنابی مادر توانایی پیش بینی ۱۰ درصد از مشکلات دلبستگی در کودک را دارد. از سوی دیگر سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و ایمن مادران نیز هر یک به میزان ۳ درصد توان پیش بینی ایجاد مسائل و مشکلات دلبستگی در دختران را دارا هستند.

نتیجه گیری: یافته‌های حاضر با حمایت از نظریه دلبستگی، اهمیت تعامل مادر- کودک را نشان می‌دهند. دلبستگی اجتنابی مادران می‌تواند پیش بینی کننده مهمی برای ایجاد مشکلات دلبستگی در دخترانشان باشد. درمان‌های مبتنی بر دلبستگی می‌توانند روش‌های مفیدی برای کمک به بهبود مشکلات دلبستگی باشند.

واژه‌های کلیدی: مشکلات دلبستگی، سبک دلبستگی مادران، دلبستگی دختران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

E-mail: m_jahanbakhsh63@yahoo.com

* نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

** دانشیار، گروه روان شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

*** استاد، گروه روان شناسی بالینی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

**** دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه

والدینی که نیازهایشان در دوره کودکی ارضا نشده و در نتیجه از نیازهای فرزندشان خبر ندارند [۵]. تحقیقات نشان داده‌اند که دلبستگی ناایمن والدین باعث ایجاد مشکلات دلبستگی، اختلالات رفتاری، مشکلات تحصیلی، اختلال در حافظه و یادگیری و اعتماد به نفس پایین در فرزندان می‌شود [۶]. معیار تشخیصی مشکلات دلبستگی، مشکلات قابل توجه در ارتباط اجتماعی است که با رشد عقلی کودک تناسب ندارد و مقدار زیادی از این مشکلات قبل از سن ۵ سالگی نمایان می‌گردد و می‌توانند ناشی از عدم مراقبت صحیح در دوران کودکی باشد [۷]. هر گروه از والدین با توجه به نوع شخصیت و خصوصیات روانی که دارند با کودکان خود به گونه‌ای متفاوت از سایرین رفتار می‌کنند و چنین تنوعی در روش‌های تربیتی و رفتاری والدین باعث شکل‌گیری سه سبک دلبستگی می‌شوند که عبارتند از: الف- ایمن^۴ ب- ناایمن اجتنابی^۵ ج- ناایمن دوسوگرا^۶.

سبک دلبستگی ایمن، اکثریت کودکان را تشکیل می‌دهند که مراقب را پایگاهی امن جهت کاوش در محیط دانسته، در غیاب وی اضطراب جدایی نداشته یا به سرعت با برگشتن وی آرام می‌شوند. والدین این کودکان به طور کلی در دسترس، پاسخ‌گو و نسبت به نیازهای کودک حساس می‌باشند [۸]. البته دلبستگی ایمن در کودک معیار متغیری محسوب می‌شود که ممکن است در طول زمان و در واکنش نسبت به تعاملات والد- کودک و شرایط استرس‌زا دچار تغییر گردد [۹، ۱۰]. طبقه دلبستگی ناایمن اجتناب‌گر، کمترین تعاملات فیزیکی و صمیمی را با مراقبشان دارند، بعد از جدایی مراقب بی‌تفاوتند و در تجدید دیدار با وی از او اجتناب می‌کنند. والدین این کودکان اغلب طرد کننده، گوشه‌گیر و درونگرا هستند و در تعامل با کودک احساس راحتی نمی‌کنند [۸]. در نتیجه عملکرد ناهماهنگ والدین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا نیز

شکی نیست که تجربیات اولیه کودک بر ابعاد گسترده زندگی آتی وی تأثیر گذارند. «مادر و کودک» دو موجودی هستند که به طور شگرفی زندگیشان به هم پیوند خورده است. ارتباطی چنان نزدیک که به طرز غریبی می‌تواند منشاء دو تأثیر کاملاً متضاد بر شکل‌گیری شخصیت انسان باشد. از یک سو می‌تواند کودک را به انسانی کامل، رشد یافته و بهنجار تبدیل کند و از سوی دیگر، در صورت تخریب این ارتباط، به انواع اختلال‌های روانی و به دنبال آن انواع رنج‌های روانی برای خود و دیگران منجر گردد. بالبی^۱ از فرآیندهایی سخن می‌گوید که طی آن یک پیوند عاطفی در روابط مادر و نوزاد شکل می‌گیرد و نوزاد از لحاظ عاطفی به والدین خود دلبستگی پیدا می‌کند [۱]. مفهوم دلبستگی به گونه‌های متفاوتی تعریف شده است اما چیزی که در همه این تعاریف مشترک می‌باشد این است که دلبستگی عنصر اساسی تحول طبیعی انسان به شمار می‌رود [۲]. به عبارت دیگر دلبستگی به توانایی غریزی نوزاد انسان برای ایجاد ارتباط قوی و عاطفی معنادار با اطرافیان و مراقبانش اشاره دارد [۳]. بالبی در تأکید بر اهمیت ارتباط مادر و کودک معتقد است آنچه که برای سلامت روانی کودک ضروری است، تجربه یک ارتباط گرم، صمیمی و مداوم با مادر یا جانشین دائم اوست. او معتقد است که بسیاری از اشکال روان‌آزردگی‌ها^۲ و اختلال‌های شخصیت^۳ حاصل محرومیت کودک از مراقبت مادرانه و یا عدم ثبات رابطه کودک با چهره دلبستگی است [۴]. دلبستگی ممکن است به دلایلی از این قبیل به خطر بیفتد: گرفتاری‌های فکری زیاد والدین یا فرد مراقب، افسردگی پس از زایمان مادر، بستری شدن کودک و در نتیجه جدایی او از والد مثل بستری شدن‌های مکرر دوران شیرخوارگی، والدینی که در روابط خود دچار مشکلاتی هستند و در نتیجه از فرزند خود غافل می‌شوند، عوامل ژنتیکی، اختلالات رشدی و

4- secure
5- avoidant insecure
6- ambivalent insecure

1- Bowlby
2- psychoneurosis
3- personality disorders

به هر حال مادران کودکان ایمن درک بهتری از کودکان خود و ارتباط خود با فرزندانشان دارند [۲۰]. این گروه از مادران برون‌گراتر از مادران کودکان نایمن هستند [۲۱]. از طریق برخی از خصوصیات شخصیتی مادر مانند مردم‌آمیزی و همدلی مادر داشتن عواطف مثبت‌تر، که خود به تعارض کمتر با کودک موقعیت‌های حل مسأله منجر می‌شود، رشد یافتگی مادر و پیچیدگی تفکر او، عواطف بین فردی مادر، قدرت «من» مادر می‌توان ایمنی دلبستگی کودک را پیش بینی کرد [۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲]. چگونگی انتقال دلبستگی مادر به کودک و نحوه تأثیر ویژگی‌های روانی مادر بر کیفیت دلبستگی کودک یکی از سوالات اساسی این حیطه خاص روان‌شناسی محسوب می‌شود. دوزبیر^{۱۲} و همکاران طی پژوهشی وجود یک مکانیزم غیر ژنتیکی را برای انتقال دلبستگی اثبات کرده و بر تأثیر ویژگی‌های شخصیتی مادر بر دلبستگی کودک از طریق ارتباط دائم مادر و کودک تأکید می‌ورزند [۲۳]. بالبی نیز معتقد است بین تجارب دوران کودکی فرد از والدین خود و رفتار والدینی بعدی او رابطه و پیوستگی وجود دارد. به عبارت دیگر الگوی مادر از رابطه با مادرش بر توانایی او برای توجه و رسیدگی به علائم فرزندش و بنابراین بر توانایی او برای پاسخ دادن به شیوه‌ای حساس و هماهنگ به او تأثیر می‌گذارد. به طور کلی الگوهای درونی مادر با رفتار کودک، میزان حساسیت مادری و دلبستگی کودک ارتباط دارد [۲۴، ۲۵]. در پژوهش حاضر نیز به بررسی میزان ارتباط مشکلات دلبستگی دختران با سبک دلبستگی مادران خواهیم پرداخت.

روش

طرح پژوهش: پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی و بر اساس روش، از نوع مطالعات همبستگی است که به منظور بررسی رابطه مشکلات دلبستگی دختران با سبک دلبستگی مادران در دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی انجام شده است. در این پژوهش سبک دلبستگی مادران متغیر پیش بین و علائم مشکلات دلبستگی در دختران ملاک می‌باشند.

در کودک ایجاد می‌شود. عدم پاسخ‌گویی به موقع و گاهی پاسخ‌گویی بی‌جا شک و تردید نسبت به مراقب را در کودک به وجود می‌آورد و در آینده شخصیتی هیستریایی^۷ از وی می‌سازد که از صمیمیت فرار می‌کند، دمدمی مزاج بوده و در عین وابستگی به دیگران، سعی در دوری جستن از پیوند نزدیک با آنان دارد [۱۱]. مطالعات نشان داده است که در حدود ۳۳٪ تا ۵۰٪ افراد از نظر سبک دلبستگی نایمن هستند [۱۲، ۱۳]، البته به طور ایده‌آل بهتر است برای ارزیابی میزان شیوع دلبستگی نایمن تحقیقاتی صورت بگیرد که نوع فرهنگ خاص نمونه مورد نظر نیز مد نظر قرار گیرد [۱۴]. سال‌ها نظریه‌ی دلبستگی فقط برای کودکان و مراقبین آنها به کار می‌رفت. تا اینکه اواخر دهه ۱۹۸۰ هازن^۸ و شیور^۹، نظریه‌ی دلبستگی را برای روابط عاطفی بزرگسالی نیز به کار بردند [۱۵]. امروزه ما با نظریه «انتقال بین نسلی»^{۱۰} الگوهای دلبستگی مواجه هستیم. بر طبق این نظریه کودکان از راه همانند سازی با والدین الگوهای رفتاری که خود در دوران کودکی با والدین خود تجربه کرده‌اند به رابطه خود با فرزندشان منتقل می‌کنند و فرزند آنها نیز به نوبه خود همان الگو را به نسل بعدی انتقال می‌دهد و بدین ترتیب الگوهای تعاملی سالم و ناسالم از طریق خرده فرهنگ‌های خانوادگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، به طوری که بین دلبستگی مادران طبقه ایمن و دلبستگی کودکان ایمن همبستگی وجود دارد [۱۶]. از نظر بالبی خصوصیات اولیه مادر بر ارتباط دلبستگی تأثیر مهمی دارد [۱]. شکست مادر در ایجاد یک ارتباط گرم، حساس و پاسخ‌دهنده در سال اول زندگی مشکلات رفتاری پایداری در کودک ایجاد می‌کند [۱۷]. بر اساس پژوهش مولر^{۱۱} و همکاران ۷۶٪ کودکانی که در معرض بد رفتاری والدین بوده‌اند یکی از سبک‌های دلبستگی نایمن را آشکار کرده‌اند [۱۸]. مادران کودکان اجتنابی در قدرت «من» پایین‌تر از مادران کودکان ایمن و کودکان دوسوگرا هستند [۱۹].

7- hysteric personality

8- Hazen

9- Shaver

10- intergeneration transmission

11- Muller

۲- پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (AAS): این پرسشنامه توسط هازن و شیور ساخته شد و بر پایه‌ی این فرض استوار است که مشابهت‌هایی از سبک‌های دلبستگی نوزاد- مراقب را در روابط بزرگسالان نیز می‌توان یافت. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارش دهی است که با روابط بزرگسالان تطبیق داده شده است [۱۵]. این ابزار ۱۵ سؤال دارد که ۵ سؤال دلبستگی نایمن دوسوگرا، ۵ سؤال دلبستگی نایمن اجتنابی و ۵ سؤال دلبستگی ایمن را بررسی می‌کند و پس از تکمیل و نمره گذاری آن خرده مقیاسی که آزمودنی نمره بالاتری در آن بگیرد به عنوان سبک دلبستگی فرد لحاظ می‌شود. هازن و شیور اعتبار به روش بازآزمایی کل این پرسشنامه را ۰/۸۱ و اعتبار با آلفای کرونباخ آن را ۰/۷۸ به دست آوردند. هازن و شیور روایی محتوایی و ملاکی را خوب گزارش نمودند همچنین روایی سازه‌ی آن در حد بسیار مطلوب گزارش شده است. همچنین بررسی روایی همزمان فرم هنجاریابی شده این پرسشنامه در ایران توسط رحیمیان بوگر رابطه مثبت و معناداری را نشان داده است [۲۸]. وی اعتبار با آلفای کرونباخ آن را ۰/۷۵ به دست آورده است که اعتبار مطلوبی است. در پژوهش رحیمیان بوگر اعتبار به وسیله آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه به ترتیب سبک دلبستگی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا برابر با ۰/۷۷، ۰/۸۱ و ۰/۸۳ است [۲۸]، همچنین روایی همزمان این پرسشنامه با مصاحبه ساختار یافته ماین^۱ برای دلبستگی بزرگسالان به ترتیب برابر با سبک ایمن ۰/۷۹، با سبک نایمن اجتنابی ۰/۸۴ و با سبک نایمن دوسوگرا ۰/۸۷ می‌باشد [۲۹].

یافته‌ها

در این قسمت جهت بررسی ارتباط متغیرها از ماتریس همبستگی و تحلیل رگرسیون به روش گام به گام استفاده شده است.

ابتدا در جدول ۱ ماتریس همبستگی و سپس تحلیل رگرسیون به روش گام به گام ارائه شده است.

جدول ۱ میزان همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان طور که قابل مشاهده می‌شود بین سبک‌های مختلف دلبستگی مادر (ایمن، اجتنابی و

آزمودنیها: جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان مقطع دوم و چهارم دوره ابتدایی شهر اصفهان که در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل بودند تشکیل می‌دادند. نمونه پژوهش به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین نمونه اولیه انتخاب شد، به این صورت که از بین نواحی شهر اصفهان به طور تصادفی ناحیه ۳ و از این ناحیه ۱۲ مدرسه ابتدایی دخترانه به تصادف انتخاب شدند. ۴۵۰ پرسشنامه اختلال دلبستگی کودکان^{۱۳} (RADQ) و سبک‌های دلبستگی بزرگسالان^{۱۴} (AAS) بین دانش آموزان مقطع دوم و چهارم این مدارس توزیع شد که از این بین، ۳۸۸ پرسشنامه که به شکل کاملی بازگردانده شد، مورد بررسی قرار گرفت.

ابزار:

۱- پرسشنامه اختلال دلبستگی کودکان (RADQ): پرسشنامه اختلال دلبستگی راندولف برای معرفی اختلالات دلبستگی ساخته شد. این پرسشنامه یک چک لیست ۳۰ مؤلفه‌ای از فراوانی گزارشات والدین کودکان ۵ تا ۱۸ سال است که شامل مشکلات متعددی است که مراقب کودک در طول دو سال قبل مشاهده کرده است [۲۶]. این چک لیست توسط موحد ترجمه و ویژگی‌های روان‌سنجی آن استخراج شده است [۲۷]. آلفای کرونباخ برای پرسشنامه اختلال دلبستگی راندولف برابر با ۰/۸۳ محاسبه شد که این میزان حاکی از همسانی درونی مطلوب سؤالات پرسشنامه می‌باشد. این ضریب همسانی درونی با ضریب همسانی درونی با استفاده از روش دو نیمه کردن که توسط راندولف به دست آمد یعنی ۰/۸۴ برای گروه مبتلا به اختلال دلبستگی و ۰/۸۱ برای گروه دارای مشکلات رفتاری اما فاقد اختلال دلبستگی قابل مقایسه است. حساسیت این پرسشنامه برابر با ۱۰۰ و ویژگی آن برابر با ۹۰ است. به عبارت دیگر این پرسشنامه توانسته است ۱۰۰ درصد بیماران را بیمار و ۹۰ درصد افراد سالم را سالم تشخیص دهد. این میزان از حساسیت و ویژگی، حاکی از قدرت تست در تشخیص عضویت گروهی افراد می‌باشد و از این جهت می‌توان آن را دارای روایی تشخیصی دانست [۲۷].

13- Randolph Attachment Disorder Questionnaire

14- Adult Attachment Styles

می‌باشد. بنابراین، با توجه به این یافته‌ها سبک دلبستگی نایمن مادران ارتباط مثبت و معناداری با ایجاد مشکلات دلبستگی در دختران دارد و بر عکس سبک دلبستگی نایمن مادران همبستگی منفی با میزان مشکلات دلبستگی در دختران دارد. در پژوهش حاضر برای به دست آوردن میزان و توان پیش بینی متغیرهای پیش بین در پیش بینی متغیر مشکلات دلبستگی کودک، از رگرسیون به روش گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

دوسوگرا) با میزان مشکلات دلبستگی کودک در سطح معنادار $0/01$ ارتباط معناداری وجود دارد. از میان سبک‌های دلبستگی (ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا)، بیشترین رابطه بین دلبستگی اجتنابی مادر و مشکلات دلبستگی کودک ($F=0/32$ ، $P<0/01$) وجود دارد. علاوه بر این بین دلبستگی دوسوگرای مادر و مشکلات دلبستگی کودک نیز رابطه مثبت معناداری ($F=0/28$ ، $P<0/01$) مشاهده شده است. رابطه منفی بین متغیرهای دلبستگی ایمن مادر با مشکلات دلبستگی کودک نیز معنادار ($F=-0/16$ ، $P<0/01$)

جدول (۱) ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	مشکلات دلبستگی کودک	دلبستگی ایمن مادر	دلبستگی اجتنابی مادر	دلبستگی دوسوگرای مادر
مشکلات دلبستگی کودک	۱			
دلبستگی ایمن مادر	$-0/16^{**}$	۱		
دلبستگی اجتنابی مادر	$0/32^{**}$	$-0/12^{**}$	۱	
دلبستگی دوسوگرای مادر	$0/28^{**}$	$0/19^{**}$	$0/31^{**}$	۱

** $p<0/01$

جدول (۲) نتایج رگرسیون گام به گام میزان مشکلات دلبستگی کودک از سبک دلبستگی مادر

مدل	متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	خطای استاندارد برآورد	R	R ²	سطح معناداری
گام ۱	دلبستگی اجتنابی	۴۶۷۸/۰	۱	۴۶۷۸/۰	۴۴/۸	۱۰/۲۱	۰/۳۲	۰/۱۰	۰/۰۰۱
گام ۲	دلبستگی اجتنابی، دوسوگرا	۶۱۵۱/۸	۲	۳۰۷۵/۹	۳۰/۵	۱۰/۰۳	۰/۳۷	۰/۱۳	۰/۰۰۱
گام ۳	دلبستگی اجتنابی، دوسوگرا، ایمن	۷۵۰۲/۶	۳	۲۵۰۱/۲	۲۵/۶	۹/۸۷	۰/۴۱	۰/۱۶	۰/۰۰۱

جدول (۳) ضرایب رگرسیون مشکلات دلبستگی کودک از سبک دلبستگی مادر

متغیر	ضریب B	خطای معیار	ضریب بتا	t	سطح معناداری
ثابت	۱۰/۶	۱/۷۷	-	۶/۰۰۰	۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی	۰/۵۹	۰/۱۴	۰/۲۲	۴/۳۲۰	۰/۰۰۱
دلبستگی دوسوگرا	۰/۵۸	۰/۱۲	۰/۲۴	۴/۶۷۰	۰/۰۰۱
دلبستگی ایمن	-۰/۴۶	۰/۱۲	۰/۱۲	-۳/۷۲۰	۰/۰۰۱

پیشی بینی می‌شود. در گام سوم متغیر سبک دلبستگی ایمن مادران وارد مدل رگرسیون شد و نتیجه تحلیل واریانس چندگانه نشان داد که اثر متغیر دلبستگی ایمن مادران درباره مشکلات دلبستگی مادران منفی و معنادار است ($F=۲۵/۶$ و $p<۰/۰۱$) و $R^2=۰/۴۱$ و $df=۳$ و ضریب تعیین متغیر دلبستگی ایمن ($۰/۱۶$) است و میزان نمو آن پس از ورود متغیر سوم $۰/۰۳$ می‌باشد بنابراین ۳ درصد از متغیر مشکلات دلبستگی دختران توسط سبک دلبستگی ایمن مادران و ۱۶ درصد ($R^2=۰/۱۶$) آن به وسیله ترکیب خطی از سه متغیر سبک‌های دلبستگی اجتنابی، دوسوگرا و ایمن مادران پیش بینی می‌شود. در کل، با توجه به این نتایج سبک‌های دلبستگی اجتنابی، دوسوگرا و ایمن مادران ۱۶٪ از واریانس مشکلات دلبستگی در دختران مورد مطالعه تبیین می‌کنند.

بحث

هدف این مطالعه بررسی رابطه بین مشکلات دلبستگی دختران و سبک دلبستگی مادران بود. نتایج نشان داد که بین مشکلات دلبستگی دانش آموزان دختر با مشکلات دلبستگی مادرانشان رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین مشکلات دلبستگی دختران و دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرایی مادران رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد. بعلاوه رابطه منفی و معناداری نیز بین دلبستگی ایمن مادران با مشکلات دلبستگی دختران مشاهده گردید. این مسأله بدان معناست که مادران با سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا به احتمال بیشتری دخترانی با مشکلات دلبستگی تربیت می‌کنند و در دختران مادران دلبسته ایمن مشکلات دلبستگی به طور معناداری کمتر قابل مشاهده خواهد بود. در زمینه دلبستگی و سبک‌های دلبستگی پژوهش‌های متعدد و متنوعی انجام شده است. اما با این وجود، در حیطه ارتباط دلبستگی مادر و کودک تحقیقات محدودی صورت پذیرفته است و کمتر می‌توان تحقیقات کاملاً همسوئی با پژوهش حاضر را یافت. با این وجود رابطه‌های معنادار میان

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که پیش بینی مشکلات دلبستگی دختران از سبک دلبستگی مادران پیش بینی معناداری است ($P\geq ۰/۰۱$)، $F=۲۵/۶$). این متغیرها در مجموع ۱۶ درصد از میزان مشکلات دلبستگی در دختران را پیش بینی می‌کنند ($R^2=۰/۱۶$). ضریب تأثیر سبک‌های دلبستگی اجتنابی، دوسوگرا و ایمن مادران به ترتیب ($B=۰/۵۹$ ، $B=۰/۵۸$ و $B=-۰/۴۶$) است. بنابراین با توجه به این یافته‌ها سبک دلبستگی مادران می‌تواند مشکلات دلبستگی در دختران را پیش بینی کند. در پاسخ به این پرسش که از میان انواع سبک‌های دلبستگی مادران کدام یک درصد معناداری از واریانس مشکلات دلبستگی دختران را پیش بینی کنند، روش تحلیل رگرسیون چند متغیری گام به گام به صورت مجزا در مورد هر متغیر اجرا شد. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام سبک‌های دلبستگی مادران بر مشکلات دلبستگی دختران در جدول ۲ ارائه شده است. در گام اول متغیر سبک دلبستگی اجتنابی مادر وارد مدل رگرسیون شد. نتیجه تحلیل رگرسیون نشان داد که اثر متغیر دلبستگی اجتنابی مادر بر مشکلات دلبستگی دختر مثبت و معنادار است ($p<۰/۰۱$ و $F=۴۴/۸$). بنابراین سبک دلبستگی اجتنابی در مادران می‌تواند مشکلات دلبستگی دختران را پیش بینی کند و این متغیر ۱۰ درصد ($R^2=۰/۱۰$) از واریانس مشکلات دلبستگی دختران را تبیین می‌کند. در گام دوم متغیر سبک دلبستگی دوسوگرا مادران وارد مدل رگرسیون شد و نتیجه تحلیل واریانس چند گانه نشان داد که اثر دلبستگی دوسوگرایی مادران بر مشکلات دلبستگی دختران مثبت و معنادار است ($p<۰/۰۱$ و $F=۳۰/۵$). ضریب تعیین متغیر دلبستگی دوسوگرایی مادر ($۰/۱۳$) است و میزان نمو آن پس از ورود متغیر دوم $۰/۰۳$ می‌باشد. بنابراین ۳ درصد از متغیر مشکلات دلبستگی دختران توسط متغیر سبک دلبستگی دوسوگرایی مادر و ۱۳ درصد ($R^2=۰/۱۳$) آن به وسیله ترکیب خطی از دو متغیر سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرایی مادران

سبک دلبستگی مادران با میزان مشکلات رفتاری در دختران موید این مسأله است که علیرغم اینکه ایجاد رابطه دلبستگی در انسان اساس زیست شناختی دارد اما فرآیند شکل دهی دلبستگی ناشی از تجربیات یادگیری است. همچنین این نتایج تأییدی بر نظریه انتقال بین نسلی رابطه دلبستگی نیز می‌باشد. از سوی دیگر چون مشکلات دلبستگی تا حد بسیار زیادی در قالب مسائل و مشکلات رفتاری نمود می‌کنند، این نتایج می‌توانند حاکی از ارتباط میان سبک دلبستگی مادر با میزان مشکلات رفتاری کودکان نیز باشند. شیک^{۱۶} در یک تحقیق تأثیر ویژگی‌های والدین را بر سلامت روانی نوجوان مورد مطالعه قرار داد [۳۰]. او در تحقیق خود به این نتیجه رسید که ویژگی‌های والدین و سبک دلبستگی آنان به صورت همزمان و طولی با سلامت روانی نوجوان همبستگی دارد. همچنین مادرانی که از لحاظ الگوی دلبستگی متعلق به طبقه ایمن هستند در مقایسه با مادران نایمن نسبت به علائم کودکان خود حساس ترند. تبیین احتمالی آن، خاطرات مادران از ارتباطشان با والدین خود است. بنابراین می‌توان دریافت که بین دلبستگی والدین (به خصوص مادر) با سبک دلبستگی کودک و رفتار او رابطه وجود دارد. به طوری که نوعی همسویی بین سبک دلبستگی طرفین (مادر-کودک) مشاهده می‌شود [۳۱]. در تحقیقاتی همخوان با پژوهش حاضر نیز تأیید شد که سبک دلبستگی والدین می‌تواند پیش بینی کننده سبک دلبستگی کودکانشان باشد [۳۲]. همان طور که ملاحظه شد یافته‌های این پژوهش حاکی از ارتباط مثبت و معنادار دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرای مادر و ارتباط منفی و معنادار دلبستگی ایمن مادر با مشکلات دلبستگی در دختران است. تبیین احتمالی این نتایج از این قرار است که مادران دلبسته نایمن اجتنابی آموخته‌اند برای جلوگیری از طرد شدن از جانب دیگران نباید به آنان اعتماد کنند و به همین دلیل تا حد زیادی

انزوا پیشه می‌کنند. آنان به احتمال زیادی از چنین سبک تعاملی در ارتباط با فرزند خود نیز استفاده می‌نمایند. میزان پاسخدهی متناسب با نیازهای کودک در مادران نایمن نسبت به مادران ایمن پایین‌تر است [۳۲]. از سوی دیگر مادران نایمن دوسوگرا که هم شدیداً مایل به برقراری ارتباط با دیگرانند و هم به خاطر ترس از طرد شدن از ادامه ارتباط طولانی مدت ناتوانند نیز با استفاده از این الگوی ارتباطی معیوب در برآوردن نیاز کودک و پاسخ‌گویی به موقع به کودک با دشواری‌های زیادی روبرو هستند. این گروه به حالت افراط و تفریط، گاهی به میزان زیادی کودک را مورد توجه و محبت قرار می‌دهند و زمانی دیگر ضروری‌ترین نیازهای کودک را نیز نادیده می‌گیرند. چنین شیوه‌های ارتباطی خود به خود زمینه انتقال بی‌اعتمادی شکل گرفته در مادران را که موجب تثبیت دلبستگی نایمن شده را به فرزندان آنان فراهم می‌کند. در مقابل مادران دلبسته ایمن که اعتماد به دیگران، احساس مورد علاقه بودن و رضایت از روابط اجتماعی را آموخته‌اند به احتمال کمتری فرزندان پرورش خواهند داد که دارای مشکلات دلبستگی باشند. همچنین تأثیر گذاری شرایط محیطی، عوامل ژنتیک و غیره نیز حائز اهمیت است. پس با توجه به وجود ارتباط معنادار میان سبک دلبستگی مادران با مشکلات دلبستگی دختران و اهمیت مبحث یادگیری و تأثیر آن بر رابطه زیست شناختی دلبستگی، می‌توان با آموزش والدین در جهت چگونگی ایجاد دلبستگی ایمن در دختران از هم اکنون برای پرورش نسلی سالم در آینده تلاش نمود. تحقیقات نشان می‌دهد که دلبستگی ایمن یا نایمن اولیه بر عملکردهای متناسب با رشد کودک مؤثرند. یافته‌های به دست آمده از مطالعات فرانکنهویس^{۱۷} نیز تأییدی بر تأثیر گذاری منفی بر سلامت روانی افراد می‌باشد [۳۳]. گام بعدی و در واقع پیشگیری ثانویه، غربالگری و تشخیص زودرس مشکلات دلبستگی در

بین مشکلات دلبستگی دختران با سبک دلبستگی اجتنابی در مادران مشاهده گردید.

تشکر و قدردانی

از همکاری پرسنل فرهنگی تعدادی از مدارس شهر اصفهان و مادران عزیز دانش آموزان که در تکمیل پرسشنامه‌های مذکور همت نهادند، تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- 1- Bowlby J. Attachment and loss. London: The Hogarth Press and Institute of Psycho Analysis. 1969; 1-25.
- 2- Malekpour M. Effects of attachment on early and later development. Br J dev disab. 2007; 53(105): 81-95.
- 3- Khetrapal N. The early attachment experience of psychopathology. Interperson. 2009; 3(1): 1-13.
- 4- Bowlby J. Attachment and loss: separation. New York: basic books. 1973; 113-119.
- ۵- خوشایبی کتابون، ابوحمزه الهام، جان بالبی، نظریه دلبستگی. تهران: انتشارات دانژه؛ ۱۳۸۶. ص. ۷۲.
- 6- Rees CR. Thinking about children at attachment. Arch Dis Child. 2005; (90): 1058-1065.
- 7- American Psychiatric Association. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders. 4th ed. Text Revision (DSM-IV-TR). Washington, DC: American Psychiatric Press; 2000.
- 8- Cassidy J. Child-mother attachment and the self in six-year olds. Child dev. 1988; (99): 127-134.
- 9- Tompson RA. Early attachment and later development familiar: questions, new answers in Cassidy and Shaver (Eds). Handbook of attachment. 2nd ed. New York: Guilford; 2008.
- 10- Tompson RA. The department of the person: social understanding, relationship, self, conscience. In: Damon W, Learner RM, Eisenberg N. Handbook of child psychology: Social, emotional and personality development. 6th ed. New York: Wiley; 2006.
- 11- Karen R. Becoming attached. Unfolding the mystery of the infant-mother bond and its impact on later life. New York: Warner Books; 1994.
- 12- Mikulincer M, Shaver PR. Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change. New York: Guilford Press; 2007.
- 13- Mikulincer M, Shaver PR. Boosting attachment security to promote mental health, prosocial values and inter-group tolerance. Psychol Inquir. 2007; (18): 139-156.
- 14- Henrich J, Heine SJ, Norenzayan A. The weirdest people in the world. Behav Brain Sci. 2010; (33): 61-135.

کودکان است که گرچه به سختی ولی امکان کاهش دادن آنها از طریق روش‌های درمانی موجود از جمله روش‌های مبتنی بر دلبستگی درمانی و اصلاح ساختار خانواده این کودکان وجود خواهد داشت. این تحقیقات در زمینه فهم تئوری دلبستگی و چگونگی تأثیر رابطه والد-کودک، به شناخت و سازگاری هر چه بیشتر با دنیای کودکان کمک شایانی می‌نماید [۳۴]. یافته‌های پژوهش حاضر تلویحات عملی مهمی درباره برنامه‌ریزی درمان و نظریه پردازی درباره مشکلات دلبستگی کودکان دارد. از لحاظ درمانی با توجه به یافته‌های این پژوهش، شناخت و کنترل عوامل مؤثر بر ایجاد مشکلات دلبستگی باید در پیشگیری و درمان این مشکلات مورد توجه قرار گیرد. همچنین ممکن است بتوان از پرسشنامه ارزیابی سبک دلبستگی بزرگسالان برای شناسایی سبک‌های دلبستگی نایمن مادران استفاده نمود و با استفاده از شیوه‌های درمانی مبتنی بر دلبستگی تا حد بسیاری از ایجاد مشکلات دلبستگی در دختران مادران نایمن جلوگیری کرد. پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی است که در نتیجه‌گیری و تعمیم نتایج باید به آن توجه شود. روش این پژوهش از نوع مطالعات همبستگی است که نتیجه‌گیری علی در مورد یافته‌ها را دشوار می‌سازد. استفاده از ابزارهای خودسنجی یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. همچنین این پژوهش روی نمونه‌ای از دانش آموزان دختر دوره ابتدایی شهر اصفهان انجام شده، بنابراین باید در تعمیم نتایج به سایر افراد احتیاط شود. بعلاوه این پژوهش فقط در مورد دختران اجرا شده است. پژوهش‌های بعدی می‌توانند با بررسی رابطه مشکلات دلبستگی کودکان با سبک‌های دلبستگی مادران در جمعیت گسترده‌تر و در هر دو جنس به روشن شدن نقش عوامل مؤثر با ایجاد مشکلات دلبستگی در کودکان کمک کنند. نتیجه نهایی این تحقیق وجود رابطه معنادار بین مشکلات دلبستگی در دختران و سبک دلبستگی مادران است که از این بین، بیشترین ارتباط

- 26- Morgan PS. Frequency of RAD diagnosis and attachment disorder in community mental health agency clients [Dissertation]. United States-Kentucky: University of Louisville; 2004.
- ۲۷- موحد مهسا. هنجاریابی پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کودکان راندولف [پایان‌نامه کارشناسی]. اصفهان: دانشگاه اصفهان؛ ۱۳۸۶. ص. ۵۳-۵۵.
- ۲۸- رحیمیان بوگر اسحاق. بررسی رابطه خشنودی شغلی، استرس شغلی، جهت‌گیری کاری و درگیری به کار با سبک‌های مختلف دلبستگی بزرگسالان و پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر اصفهان [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]. اصفهان: دانشگاه اصفهان؛ ۱۳۸۳. ص. ۷۶.
- ۲۹- حسنی سید حسین. بررسی رابطه بین طرحواره‌های شناختی و سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]. تهران: دانشگاه شهید بهشتی؛ ۱۳۸۳. ص. ۱۳.
- 30- Shik DTL. parental and maternal influences on the psychological well being of Chinese Adolescent Genetic. Soc psychol Monog. 1999; 123(3): 269-297.
- ۳۱- خانجانی زینب. تحول و آسیب‌شناسی دلبستگی از کودکی تا نوجوانی. تبریز: انتشارات فروزش؛ ۱۳۸۴. ص. ۷۴-۷۸.
- 32- Del Giudice M. Sex attachment and the development of reproductive strategies. Behav brain sci. 2009; 32(1): 1-67.
- 33- Frankenhuis WE. Did insecure attachment style evolve for the benefit of the group. Frontiers in psychology, Inc; c 2010. Available from: <http://www.frontiersin.org>.
- 34- Greenberg MT. Attachment and psychopathology in childhood. In: Cassidy J, Shaver P (Eds.). Handbook of attachment: Theory, research and clinical applications. New York: Guilford Press; 1999.
- 15- Hazen C, Shaver P. Romantic love conceptualized as attachment process. J person soc psychol. 1987; (52): 511-524.
- 16- Steele H, Steel M, Fonagy P. Association among attachment classification of mothers, fathers and their infants. Child dev. 1996; (67): 541-555.
- 17- Fogel A. Infancy: Infant, Family and Society. Minneapolis: Paul Newyork. Losangeles. Sanfrancisco: Mest publishing company; 1997.
- 18- Muller Rt, Sicoli YA, Lemieux XE. Relationship between attachment style and posttraumatic stress symptomatology among adults who report the experience of childhood abuse. J Traum Stress. Child dev. 2000; 13(2): 321-332.
- 19- Mangelsdorf M, Gunnar M, Kestendaum R, Lang S, Anderson J. Infant process to distress temperament: Association and goodness of fit. Child Dev. 1990; (61): 820-831.
- 20- Egeland B, Farber EA. Infant-mother attachment. Factor related to its development and changes over time. Child Dev. 1984; (55): 753-771.
- 21- Izard CE, Haynes MO, Chisholm G, Baak K. Emotional determinants of infant-mother attachment. Child Dev. 1991; (62): 906-917.
- 22- Frankel KA, Bates JE. Mother-toddler problem solving; antecedents in attachment, home behavior, and temperament. Child Dev. 1990; (61): 810-819.
- 23- Dozier M, Stovall KC, Albus KE, Bates B. Attachment for infants in foster care: The role caregiver state of mind. Child Dev. 2001; 72(2): 1467-1477.
- 24- Crowell JA, Feldmans SS. Mothers' internal models of relationship and children's behavioral and developmental status: A study of mother-child interaction. Child Dev. 1988; (59): 1273-1285.
- 25- Ward MJ, Carlson EA. Association among adult attachment representation, maternal sensitivity and infant-motehr attachment in a sample of adolescent mothers. Child Dev. 1995; (66): 69-79.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی